

## مقایسه میزان اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی در

### شهرستان های سقز و سنندج

دکتر غلامحسین حیدری<sup>۱</sup>، فاروق یزدان ستا<sup>۲</sup>

#### چکیده

پژوهش حاضر به دنبال مقایسه اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی اجرا شده در شهرستان های سقز و سنندج می باشد. جامعه آماری جامعه آماری این پژوهش عبارت است از کلیه افرادی که از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ در دوره های آموزشی و یا مشاوره کارآفرینی ارائه شده، از سوی وزارتخانه های کار و امور اجتماعی و تعاون سابق (دوره ۷۲ ساعته)، در شهرستان های سقز و سنندج شرکت نموده اند. از این میان ۱۰۷ نفر به عنوان نمونه مورد مطالعه قرار گرفت. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته اثربخشی کارآفرینی می باشد. روش های آماری مورد استفاده در این پژوهش عبارت است از آزمون تی مستقل و آزمون تحلیل واریانس چند متغیره. یافته ها نشان دهنده آن است که دو شهرستان از لحاظ میزان اثربخشی دوره ها باهم تفاوت معنی داری نداشته اند و از طرفی با توجه به افزودن متغیر جنسیت در فرضیه دوم بازهم تفاوت معنی داری در بین دو شهرستان از لحاظ میزان اثربخشی دوره ها مشاهده نشد.

واژه های کلیدی: کارآفرینی، آموزش کارآفرینی، اثربخشی

۱- دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه علوم تربیتی، رودهن، ایران

۲- دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه علوم تربیتی، رودهن، ایران

## مقدمه

با توجه به میزان رشد جمعیت در چند دهه گذشته، مشکل اشتغال را می‌توان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات اجتماعی چند دهه آینده به‌حساب آورد. با توجه به این وضع بر اساس آمار رسمی مطرح‌شده در طول چند سال گذشته جابجایی خاصی در رشد اقتصادی کشور مشاهده نمی‌شود، درحالی‌که سالانه ۸۰۰ هزار نفر نیروی انسانی جویای کار اضافه می‌شود. پیش‌بینی می‌شود که در سال ۱۴۰۰ وجود حدود ۱۰ میلیون نفر بیکار یکی از مشکل‌های اصلی توسعه اقتصادی - اجتماعی در برنامه‌ی چهارم و برنامه‌های بعدی خواهد بود. از طرف دیگر دومین هدف آرمانی در سند چشم‌انداز بیست‌ساله (۱۴۰۴) دستیابی به جایگاه اول علمی و فناوری در سطح منطقه است. برای تحقق این آرمان، اهدافی از قبیل افزایش روحیه‌ی کارکردن، ابتکار و کارآفرینی، تدوین و پیاده‌سازی برنامه آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها به‌عنوان گام‌های اساسی در پشتیبانی این برنامه موجود است. بر اساس تحقیقات، آموزش کسب‌وکار و فرهنگ کارآفرینانه، گسترش مراکز تحقیق و توسعه کارآفرینی، برگزاری کارگاه‌های آموزش کارآفرینی دیجیتال و... راهکارهایی برای ایجاد اشتغال و بهبود بحران بیکاری جامعه می‌باشد. علی‌رغم تأکید بسیار بر مزایای آموزش کارآفرینی باین‌حال ارتقای کارآفرینی به‌وسیله آموزش با مشکل همراه است (بارانی و دیگران، ۱۳۸۹).

کارآفرینی عبارت است: از کشف و بهره‌برداری از فرصت‌های تجاری مناسب برای خلق ثروت شخصی و ارزش اجتماعی (ساندین، ۲۰۱۱، ۱). کارآفرین کسی است که ریسک کردن، به اجرا درآوردن، مدیریت کردن مالکیت یک کار و فعالیت اقتصادی را می‌پذیرد (ترولی و ترل، ۲۰۱۰، ۲).

آموزش کارآفرینی عبارت است از شکلی از آموزش قصد شده به‌منظور توسعه نگرش‌ها و قابلیت‌های افراد به‌منظور درگیر شدن در برخی یا همه اقدامات کارآفرینانه از جمله اقدام به خلق کاری جدید، رشد مبتکرانه در صنایع کوچک، توسعه در شرکت‌های بزرگ (همچون شیوه‌های جدید در مدیریت تغییر)، تغییرات اجتماعی، تغییر در سمت‌وسوی بازار و اقتصاد همچون اقتصاد کارآفرین و توسعه اجتماعی (میترا و ابوباکار، ۲۰۱۱، ۳).

در چند سال اخیر، موضوع کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش کشور ما مطرح شده و مورد استقبال واقع شده است. حتی برای آموزش کارآفرینی در مدارس مقطع متوسطه و هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای کتابی تحت عنوان کارآفرینی تدوین شده و آموزش داده می‌شود. این جنبه مثبت موضوع آموزش

---

۱. Sundin

۲. troili and terrell

۳. Mitra and Abubakar

کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش است. از آنجایی که نظام آموزش و پرورش کشور به طور جدی و اساسی به موضوع کارآفرینی و توسعه و آموزش آن در مدارس نپرداخته و صرفاً سوار بر موج پرتلاطم کارآفرینی شده است، در بلندمدت بی تردید با مشکل هایی مواجه خواهد شد که شاید عدم توجه به هر یک از این چالش ها موجبات عدم موفقیت آموزش کارآفرینی در نظام آموزش و پرورش کشور را فراهم سازد. موارد دشوار به طور خلاصه عبارت اند از دشواری در:

- کیفیت مدرسان کارآفرینی
  - محتوا و شیوه های آموزش کارآفرینی
  - اثربخشی روش های آموزشی
  - ابزارهای آموزشی مرتبط با کارآفرینی
  - حمایت های مادی و معنوی دانش آموزان کارآفرین
  - نیازهای یادگیری دانش آموزان (کردنائیج و زالی، ۱۳۸۷).
- از نارسایی های آموزش کارآفرینی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. امروزه بیشتر درس های دانشگاهی به ویژه در رشته های علوم انسانی به شیوه نظری ارائه می شود و تلاش جدی برای کاربردی کردن آن نشده است. اغلب دانشجویان مطالب درسی را حفظ کرده و امتحان می دهند. از این رو مهارت دانش آموختگان دانشگاه ها با نیازهای بازار کار هماهنگی و همخوانی ندارد و تخصص ها و مهارت ها هم جهت و هم سو با نیازهای بازار کار شکل نمی گیرد. به علت کاربردی نبودن درس های دانشگاهی به ویژه در رشته های فنی، دانش آموختگان، آمادگی برای کار ندارند.

۲. محققان زیادی در تحقیقات خود خاطر نشان ساخته اند که نظام آموزش عالی ایران به جای اینکه کارآفرین باشد، عملاً کارجو پرور است. و از آنجاکه نظام آموزشی ایران مبتنی بر یادگیری نیست، افراد کارآفرین در آن کمتر پرورش پیدا می کنند.

۳. ناآشنایی جوانان با بازار کار، عدم آگاهی آنان از طراحی طرح کسب و کار و نداشتن مشارکت فعال بخش خصوصی در زمینه های پژوهش، توسعه، فعالیت های تولیدی و کارآفرینی دیگر مشکلات در این زمینه است. (میرزا محمدی، پورطهماسبی و تاجور، صص ۴۴ و ۴۵، ۱۳۸۷). موضوع آموزش و پرورش کارآفرینان از ابتدای برنامه ی سوم توسعه ی اقتصادی کشور مورد توجه قرار گرفت، اما نخستین گام رسمی برای آموزش کارآفرینی با تصویب طرح کاراد در سال ۱۳۷۹ برداشته شد. با اجرای این طرح، فعالیت های ترویجی مثل انتشار کتب، مقالات و سخنرانی ها و ... شروع شد و فعالیت های آموزشی هم با برگزاری دوره های آموزشی و در ادامه، ارائه ی ۳ واحد درس انتخابی با عنوان کارآفرینی برای دانشجویان کارشناسی ادامه یافت و در کنار این ها در بعضی دانشگاه ها نیز اقدام به اجرای دوره های

پیش رشد گردید و کارگاه‌هایی نیز برگزار شد، ولی وقتی به مقایسه‌ی آموزش کارآفرینی در سطح دانشگاه در ایران و سایر کشورها مخصوصاً کشورهای اروپایی و آمریکایی توجه می‌شود، علاوه بر مشخص شدن میزان فاصله‌ی بسیار زیاد با آن‌ها، به ناکافی بودن آموزش‌های کارآفرینی در دانشگاه‌های کشور برخورد می‌شود (پور آتشی، ۱۳۸۷).

### بیان مسئله

بنا به یافته‌های ضربی و شاهینودی (۱۳۸۹) با عنایت به شاخص‌های توسعه، از بین چهار وضعیت توسعه‌یافته، نسبتاً توسعه‌یافته، کمتر توسعه‌یافته و محروم، استان کردستان با شاخص ترکیبی  $۱/۷۳ -$ ، جزو استان‌های کمتر توسعه‌یافته به حساب می‌آید. علی‌رغم وضعیت توسعه استان در رابطه با رشد فزاینده بیکاری در ایران و بالأخص استان، نکته حائز اهمیت این است که رشد نیروی کار تا زمانی که نرخ بیکاری کمتر از ۱۲ درصد باشد، اثر مثبت بر رشد اقتصادی دارد، اما به محض عبور از این حد آستانه (یعنی ۱۲ درصد)، رشد نیروی کار اثر منفی بر رشد اقتصادی می‌گذارد (نادمی و نادمی، ص ۲۴۲، ۱۳۹۰).

فرایند آموزش و هدایت افراد به بازار کار در دو دهه اخیر تحت تأثیر سه عامل عمده قرار گرفته است: افزایش جمعیت، رویدادهای منطقه‌ای و جهانی، همچنین تغییرات سریع تکنولوژیک. در نتیجه وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان به‌طور قابل ملاحظه‌ای دستخوش دگرگونی کرده است. یکی از راه‌های مقابله با این معضل، آموزش کارآفرینی به دانش‌آموزان می‌باشد (مشایخ، ۱۳۸۶). بحران‌های اقتصادی و افزایش شدید بیکاری، رشد کارآفرینی را توجیه می‌کند و در بیشتر کشورها کارآفرینی یکی از متداول‌ترین راه‌حل‌ها برای مقابله با بیکاری و آموزش کارآفرینی از برنامه‌های مهم دولت‌ها برای غلبه بر بیکاری است (صالحی نجف‌آبادی، عابدی و ربیعی، ۱۳۸۵). در کنفرانس بین‌المللی آموزش برای سده ۲۱م آموزش کارآفرینی به‌عنوان یک مفهوم بین‌المللی در آموزش عالی توسط یونسکو در نظر گرفته شد. در گزارش این کنفرانس موضوع مسئله "مدرک سوم تحصیلی" یعنی مدرک کارآفرینی مطرح شد. اعتبار این مدرک تحصیلی لازم است که همانند مدارک دانشگاهی و آموزش حرفه‌ای در نظر گرفته شود (ژانگ، ۲۰۱۱). با توجه به اهمیت موضوع در برخی از کشورها مطالعاتی صورت گرفته و یافته‌ها حاکی از رشد آموزش کارآفرینی در سیستم‌های آموزشی کشورهای اروپایی، آسیایی و آفریقایی است (گروول و استان، ۲۰۰۶). نتیجه تحقیقات حاکی از آن است که بین میزان روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان دختر و پسر که آموزش کارآفرینی می‌بینند و دانش‌آموزان دختر و پسر که آموزش

۱ . zhang

۲ . Gurol and Astan

مقایسه میزان اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی در شهرستان های سقز و سنندج) □ ۱۴۷

کارآفرینی نمی بینند، تفاوت معناداری وجود دارد. در اینجا هم عامل جنسیت و هم آموزش کارآفرینی بر روحیه کارآفرینی دانش آموزان تأثیر داشته است. اما تعامل بین آموزش و جنسیت معنادار نشده است. در تبیین این یافته تحقیق نیز می توان گفت از طریق آموزش کارآفرینی می توان هم دختران و هم پسران کارآفرین را تربیت کرد و جنسیت فرد مانع موفقیت او نمی شود. البته در این تحقیق روحیه کارآفرینی پسران نسبت به دختران بالاتر بود. همچنین خصوصیات فرهنگی نیز بیشتر ویژگی های کارآفرینی و تمایل به ایجاد شغل را در پسران و جنس مذکر تقویت می کند و همیشه مرد را منبع درآمد معرفی می کند. اما با توجه به اینکه تعامل بین جنسیت و آموزش معنادار نشد، می توان گفت که با آموزش کارآفرینی به دختران می توان روحیه کارآفرینی آن ها را نیز افزایش داد و تقویت کرد. بنابراین می توان و باید کارآفرینی را به دانش آموزان آموزش داد به طوری که خصوصیات کارآفرینان موفق را نشان دهند (مشایخ، ۱۳۸۶). مطالعات نشان می دهد که برنامه های پرورش کارآفرینان در کشورهای مختلف با سیاست گذاری و پشتیبانی اجرائی دولت ها به سرانجام رسیده است. از تجربیاتی که کشورهای مختلف در زمینه کارآفرینی داشته اند، می توان نتیجه گرفت که بایستی پرورش کارآفرینان در کشور را به عنوان گام اولیه توسعه تلقی کرد که این مهم تنها با ایفای نقش فعالانه دولت امکان پذیر نیست بلکه تمام مؤسسات و مراکز خصوصی و دانشگاه های غیردولتی مخصوصاً دانشگاه آزاد و مراکز آموزش عالی غیردولتی، باید همراهی نمایند (سلیمی و عبدی، ۱۳۸۷).

استاندارد ایزو ۹۰۰۰ بر اهمیت و ضرورت آموزش تأکید کرده و لزوم اندازه گیری میزان اثربخشی آموزش ها را نیز مورد توجه قرار داده است (استاندارد بین المللی ایزو ۱۳۸۴، ۱۰۰۱۵). به زعم علاقه بند اثربخشی وقتی حاصل می شود که سازمان به هدف ها یا نتایج مطلوب خود نائل شود (علاقه بند، ۱۳۸۶). در این تحقیق محقق در پی پاسخگویی به این سؤال است که آیا میزان اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی اجرا شده در شهرستان های سقز و سنندج با هم تفاوت دارد؟

اهداف پژوهش

هدف اول: مقایسه اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی شهرستان های سقز و سنندج با هم تفاوت دارد.

هدف دوم: مقایسه اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی در شهرستان های سقز و سنندج با توجه به جنسیت شرکت کنندگان.

### مبانی نظری

ویلیام بای گرو (۱۹۹۴) معتقد است فرایند کارآفرینی تمام وظایف، فعالیت‌ها و عملیاتی را که با درک فرصت و ایجاد یک سازمان به منظور پی‌گیری آن فرصت‌ها ارتباط می‌یابد، در برمی‌گیرد و کارآفرینی، شامل تحلیل فرصت‌ها می‌باشد (احمدپور داریانی، ۱۳۸۶). مک میلان و لاو (۲۰۰۴) در تعریفی که از کارآفرینی ارائه کردند، آن را عبارت از ایجاد شرکت جدید دانستند. دیده‌بان جهانی کارآفرینی ۳ (۲۰۰۵) و بنیاد کافمن ۴ (۲۰۰۵) کارآفرینی را فرایند ایجاد کسب‌وکار جدید تعریف می‌کنند (کردناپیچ و همکاران، ۱۳۸۶). بروکهاوس ۵ (۱۹۸۲) کارآفرینی را ایجاد کسب و کار جدید می‌داند که با خطرپذیری و عدم قطعیت همراه است.

لاو و همکارانش ۶ (۲۰۰۳) کارآفرینی را عبارت است از فرایند ایجاد ارزش از راه فراهم آوردن منابع منحصر به فرد برای بهره‌گیری از فرصت‌ها می‌دانند.

### آموزش کارآفرینی

به طور کلی آموزش کارآفرینی فرایندی نظام مند<sup>۷</sup>، آگاهانه<sup>۸</sup> و هدف‌گرا<sup>۹</sup> است که طی آن افراد غیر کارآفرین ولی دارای توان بالقوه به صورتی خلاق تربیت می‌شوند. در واقع، این نوع آموزش، فعالیتی به حساب می‌آید که از آن برای انتقال دانش و اطلاعات مورد نیاز برای راه‌اندازی و اداره‌ی کسب و کار استفاده می‌شود و افزایش، بهبود و توسعه‌ی نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیر کارآفرین را در پی خواهد داشت (سعیدی مهرآباد و مهتدی، ۱۳۸۷). امروزه آموزش کارآفرینی به یکی از مهم‌ترین و گسترده‌ترین فعالیت‌های نظام‌های آموزشی در سراسر جهان تبدیل شده است. از دهه ۱۹۸۰ به بعد، سازمان‌های آموزشی برحسب ویژگی گروه‌های تحت آموزش و نیازهای محلی، ملی و حتی بین‌المللی برنامه‌های آموزشی متعددی را برای سازمان‌های مختلف طراحی و به اجرا درآورده‌اند.

---

۱. W. Bygrave

۲. L. McMillan & M. Low

۳. Global Entrepreneurship Monitor (GEM)

۴. Kauffman

۵. R. Brockhaus

۶. Louw. et al

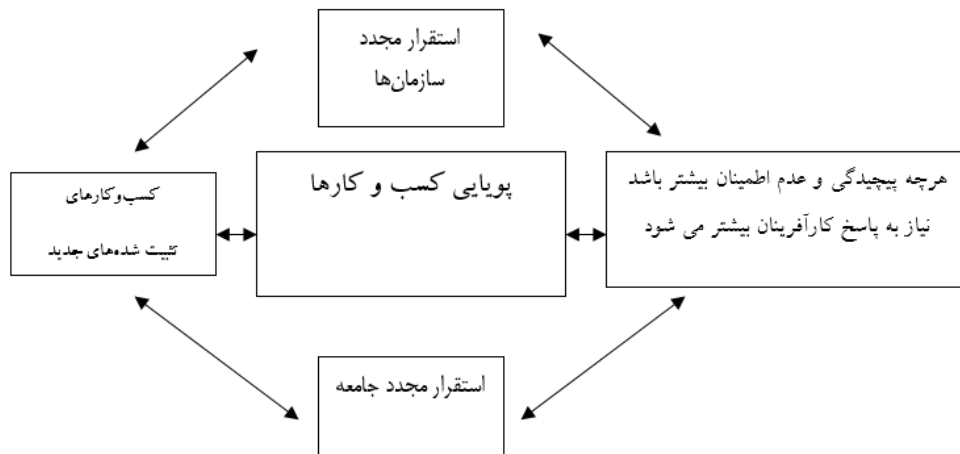
۷. Systematic process

۸. Conscious

۹. Goal-driven

## اهمیت آموزش کارآفرینی

جونز و انگلیش ۱ (۲۰۰۴) معتقدند آموزش کارآفرینی توانایی افراد را جهت خلق ایده ها و انجام تحقیقات تقویت می کند. کاربرد تجاری این ایده ها را بالا می برد و در نهایت مهارت های حفظ و بهبود شرکت های نوپا را در افراد ایجاد می کند. در واقع موضوع کارآفرینی توجه فزاینده علاقه مداومی را دریافت می کند و به نظر می رسد که بیش از یک بحث کوتاه مدت و زود گذر باشد. در حقیقت همانگونه که «ون کاتر من» (۱۹۹۶) بیان کرده است «این رشته یک محیط اقتصادی در حال ظهور را منعکس می کند که بوسیله تلاقی تغییرات در دنیای شرکت ها، تکنولوژی جدید و ظهور مهارت های جدید ایجاد می شود» همانگونه که «گیپ و گاتن» (۱۹۹۸) در نمودار شماره ۱ نشان می دهند کارآفرینی می تواند بر حسب چنین تغییراتی سودمند باشد.



نمودار شماره ۱: اهمیت آموزش کارآفرینی

در سطح جهانی، کاهش موانع تجاری و واقعیت واحد پول اروپا، همراه با پیشرفت های در ارتباط راه دور، فناوری و حمل و نقل، تماماً فرصت های بیشتر و در عین حال عدم اطمینان بیشتری را ارائه می کند. در سطح جامعه، خصوصی سازی، مقررات زدایی، اشکال جدید حکومت، توجهات محیطی فراینده و شناخت فزاینده حقوق گروه های اقلیت تماماً جامعه را با پیچیدگی و عدم اطمینان بیشتر مواجه می کنند. در سطح سازمانی، عدم تمرکز، تعدیل نیروی انسانی، بازمهندسی، هم پیمانان استراتژیک یکی شدن سازمان ها و تقاضای فزاینده برای انعطاف پذیری نیروی کار، تنوع گسترده تر گزینه های استخدام، احتمال خاتمه یافتن کار سازمان ها، مسئولیت بیشتر در

کار و فشار روحی و روانی بیشتر تماماً سازمان‌ها را با پیچیدگی و عدم اطمینان بیشتر مواجه می‌کند. در سطح فردی، فرد امروزی ممکن است والدین تنها با مسئولیت بیشتر نسبت به مدیریت اعتبارات و تأمین مالی برای آینده‌شان باشند. با در نظر گرفتن وضعیت بالا - در تمام سطوح - نیاز بیشتری به افراد هست تا توانایی‌ها و مهارت‌های کارآفرینانه داشته باشند تا آنها را قادر سازد چالش‌های زندگی فعلی و آینده‌نا مطمئن خود را مدیریت کنند. از این رو آنها باید با مطالعه‌ی کارآفرینی، به روش‌های مبتنی بر نوآوری برای حل مسأله، انطباق با واقعیت تغییر، خودکفا شدن و توسعه خلاقیت دست یابند. در مطالعه دیگری هانیگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۴) دریافت که آموزش کارآفرینی بینش افراد را بالا می‌برد و کمک می‌کند تا افراد در فرایند کارآفرینی بهتر و موفق‌تر عمل کنند. نکته مهم و قابل توجه در آموزش کارآفرینی این است که در آموزش کارآفرینی به روش‌های رسمی و غیر رسمی آموزش با هم ترکیب می‌شوند. در واقع آموزش کارآفرینی بر روی مهارت، نگرش و رفتار تمرکز کرده و موجب ارتقای مهارت، توسعه نگرش و تغییر رفتار افراد می‌شود (به نقل از کرد نالیج و زالی، ۱۳۸۷).

از آنجایی که در این پژوهش به دنبال بررسی اثربخشی دوره‌های آموزش کارآفرینی هستیم و معیار اثربخشی هم میزان دستیابی به اهداف دوره‌ها در نظر گرفته شده است لذا لازم مروری بر اهداف دوره‌های آموزش کارآفرینی داشته باشیم. مهارت‌های کارآفرینی را به سه دسته زیر تقسیم بندی نموده‌اند:

الف: مهارت‌های شخصی شامل:

۱. ریسک پذیری ۲. خلاقیت ۳. توفیق طلبی ۴. مرکز کنترل ۵. هدفگرایی و... است

ب: مهارت‌های مدیریتی که شامل:

۱. برنامه ریزی و تعیین اهداف، ۲. تصمیم‌گیری ۳. روابط انسانی

۴. بازاریابی ۵. راه اندازی کسب و کار ۶. مهارت‌های مالی و حسابداری ۷. مدیریت ۸. کنترل ۹. مذاکره ۱۰. مدیریت توسعه

ج: مهارت‌های فنی

۱. مهارت‌های نوشتار ۲. ارتباطات شفاهی یا ارتباطات کلامی ۳. نظارت محیط یا ارزیابی سیستم ۴.

مدیریت کسب و کار ۵. تکنولوژی ۶. مهارت میان فردی ۷. مهارت شنیداری ۸. توانایی سازماندهی ۹.

ایجاد شبکه‌های مدیریت ۱۰. مربی‌گری ۱۱. بازیگر و ایفا کننده نقش در تیم (قنبر علی و زر افشانی،

۱۳۸۷).



## اثربخشی آموزشی

در ادبیات مدیریت، اثربخشی را انجام کارهای درست و کارایی را انجام درست کارها تعریف کرده‌اند. مفهوم اثربخشی در درون مفهوم کارایی جا دارد، البته اثربخشی لزوماً در چارچوب برنامه خاصی که تحت ارزشیابی است باید تعریف شود. منظور از اثربخشی<sup>۱</sup> در واقع بررسی میزان موثر بودن اقدامات انجام شده برای دستیابی به هدف‌های از پیش تعیین شده است. به عبارتی ساده‌تر در یک مطالعه اثربخشی، میزان تحقق اهداف اندازه‌گیری می‌شود. اما به نظر می‌رسد برای تعریف مفهوم اثربخشی می‌بایست گامی فراتر نهاد، به این معنا که اثربخشی هنگامی در یک دوره آموزش حاصل خواهد شد که اولاً نیازهای آموزشی به روشنی تشخیص داده شود. ثانیاً برنامه مناسبی برای برطرف ساختن نیازها طراحی شود. ثالثاً برنامه طراحی شده به درستی اجرا گردد و رابعاً ارزیابی مناسبی از فرایند آموزش و درنهایت دستیابی به اهداف انجام شود. نکته مهم و اساسی در مورد اثربخشی آموزشی آن است که قبل از آنکه درصد بررسی نحوه اندازه‌گیری اهداف باشیم، می‌بایست در پی انجام صحیح فرایند آموزش و اطمینان از تحقق آن در هر مرحله از این فرایند باشیم. با مطالعه تاریخچه کیفیت درمی‌یابیم که در گذشته‌ای نه چندان دور، تولیدکنندگان برای اطمینان از کیفیت به بازرسی محصول نهایی توجه داشتند و در واقع بازرسی زمانی انجام می‌شد که محصول تولید شده بود و فرصتی برای رفع خطاهای احتمالی وجود نداشت درحالی که با طرح موضوع تضمین کیفیت بحث ایجاد کیفیت و اطمینان از وجود آن طی مراحل مختلف تولید مطرح گردید. در مورد اثربخشی آموزشی نیز دقیقاً وضع به همین گونه است. بدین معنا که اندازه‌گیری اثربخشی به صورت مطلق و در پایان یک دوره آموزشی رویکرد کاملی نیست. اثربخشی و کیفیت آموزش، می‌بایست در طول فرایند آموزش ایجاد و تضمین گردد و در پایان این فرایند برای اطمینان از صحت اقدامات و تحقق اهداف مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار گیرد (زارعی، ۱۳۸۴).

دلایل ارزشیابی آموزشی شرکت‌ها و سازمانها برای کسب مزیت رقابتی میلیون‌ها دلار در برنامه‌های آموزشی سرمایه‌گذاری می‌کنند. به طوری که سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت‌های آمریکایی در آموزش‌های رسمی و شغلی از ۵/۱ درصد حقوق پرداختی در سال ۱۹۹۶ به ۲ درصد در سال ۱۹۹۸ و در دو سال اخیر به ۴۰ درصد افزایش یافته است. سرمایه‌گذاری در آموزش در حال افزایش است زیرا یادگیری، دانشی ایجاد می‌کند که می‌تواند شرکت‌های موفق را از ناموفق تمیز دهد. از طرفی دیگر، از آنجایی که شرکت‌ها و سازمانها سرمایه‌گذاریهای عمده‌ای در آموزش انجام می‌دهند و آموزش را به عنوان یک استراتژی جهت موفقیت خود انتخاب کرده‌اند لذا انتظار دارند فواید و نتایج

آموزش را ارزیابی کنند تا سهم آموزش در تولید محصول / خدمات شرکت مشخص گردد. به طور کلی دلایل ارزشیابی آموزش را می توان به شرح ذیل جمع بندی کرد برای مشخص کردن قوتها و ضعفهای برنامه جهت ارزیابی اینکه آیا محتوا، سازمان و مدیریت برنامه آموزش، در به کارگیری آموزش در شغل کمک می کند یا خیر؛ جهت مشخص کردن فواید آموزش برای فراگیران؛ جهت ارزیابی میزان رضایت فراگیران از برنامه آموزش؛ برای تعیین فواید و هزینه های مالی برنامه برای شرکت/سازمان؛ جهت مقایسه هزینه و فایده برنامه های مختلف آموزشی جهت انتخاب بهترین برنامه. آیا راه حل مسئله، آموزش است؟ در آغاز فرایند ارزشیابی اثربخش آموزش این نکته باید موردتجزیه و تحلیل قرار گیرد که آیا بهترین راه حل مسائل عملکردی در سازمان، ارائه آموزش است یا خیر؟ در بسیاری از موارد کاستی های موجود در سازمان ناشی از کاستی های منابع انسانی نیست که اصطلاحاً این کاستی ها را غیرعملکردی می نامند. در مواردی نیز مسائل سازمان، ناشی از کاستی های عملکردی کارکنان است. که در این صورت باید سهم عدم قابلیت ناشی از آموزش معین گردد. اگر عامل آموزشی در کاستی عملکردی از تحلیل اطلاعات استنتاج گردد، طراحی برنامه های آموزشی ضرورت پیدا می کند. گاهی ارائه آموزش به خاطر حل مسئله نیست، بلکه دلیل آن پیشگیری از بروز مشکل یا حفظ وضع موجود است. در هر صورت، تا زمانی که مسائل غیر عملکردی سازمان حل نگردد، ارائه برنامه آموزش و انتظار اثربخشی آن بیهوده است (پورصادق، ۱۳۸۴).

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش های پس رویدادی (علی - مقایسه ای) که هدف آن برآورد پیامدهای یک پدیده در جامعه مورد بررسی اس. در واقع پژوهش حاضر بخشی از کار پژوهشی وسیعی است که در سطح استان کردستان انجام گرفت جامعه آماری این پژوهش عبارت بود از کلیه افرادی که از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۰ در دوره های آموزشی و یا مشاوره کارآفرینی ارائه شده، از سوی وزارتخانه های کار و امور اجتماعی و تعاون سابق (دوره ۷۲ ساعته)، در استان کردستان (سقز و سنندج) شرکت نموده اند و گواهی حضور و یا مشاوره دریافت کرده اند. روش نمونه گیری در این پژوهش به صورت نمونه گیری تصادفی می باشد. که از طریق سامانه اینترنتی برای دوره دیدگاه پیام تلفنی به منظور شرکت در پژوهش ارسال که در مجموع در این پژوهش ۱۰۷ از شهرستان های سقز و سنندج در این پژوهش شرکت نمودند. مقیاسها: مقیاسهای بکار رفته در این پژوهش عبارت از مقیاس ۵ گزینه ای طیف لیکرت

## تعاریف مفهومی و عملیاتی

اثربخشی :

اثربخشی عبارت است از حدود دستیابی به اهداف و گستره حل شدن مشکلات معین شده تمرکز و تاکید اثربخشی بر نتایج کار است. اثربخشی وقتی حاصل می شود که سازمان به هدف ها یا نتایج مطلوب خود نایل آید (علاقه بند، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

## تعریف عملیاتی

اثربخشی دوره کارآفرینی: نمره ای که هر فرد در پرسشنامه کارآفرینی به دست می آورد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه محقق ساخته اثربخشی کارآفرینی می باشد. روشهای آماری مورد استفاده در این تحقیق عبارت است از آزمون تی مستقل و آزمون تحلیل واریانس چند متغیره.

## یافته ها

فرضیه اول: میزان اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی شهرستان های سقز و سنندج با هم تفاوت دارد.

تفسیر نتیجه آزمون t با دو نمونه مستقل در خصوص تفاوت میانگین نمرات اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی در شهرستان های سقز و سنندج پرداخته اند که شرح آن به صورت جداول شماره ۱ و جداول شماره ۲ می باشد.

مستقل جهت برآورد تفاوت اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی در شهرستان های سقز و سنندج t

جدول شماره ۱: آزمون

آزمون نمونه مستقل										
آزمون t برای برابری میانگین‌ها						آزمون لون برای برابری واریانس‌ها				
حداکثر	حداقل	اختلاف انحراف استاندارد	اختلاف میانگین	ضریب معنی-داری دو دامنه	df	t	Sig	F		
۰/۵۴۹	-۸/۷۳	۲/۳۴۱	-۴/۰۹	۰/۰۸۳	۱۰۶	-۱/۷۴	۰/۴۹۲	۰/۴۷۵	واریانس برابر فرض	اثربخشی دوره
۰/۵۳۳	-۸/۷۱۷	۲/۳۳۳	-۴/۰۹	۰/۰۸۲	۱۰۵/۹۶	-۱/۷۵			واریانس برابر فرض نشده	

جدول شماره ۲: میانگین انحراف استاندارد نمرات اثربخشی دوره‌های آموزش کارآفرینی در شهرستان‌های سقز و سنندج

شهر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین خطای انحراف استاندارد
شهرستان سقز	۵۶	۶۰/۸۴	۱۲/۶۹	۱/۶۹
شهرستان سنندج	۵۲	۶۴/۹۳	۱۱/۵۴	۱/۶۰

با توجه به این که آزمون لون بزرگتر از ۰/۰۵ است بدین معنی است که فرض برابری واریانس دو گروه وجود دارد. در این فرضیه با توجه به عدم معنی‌داری آزمون لون که F آن برابر با ۰/۴۷۵ است و با سطح خطای ۰/۰۹۱ از نتایج ردیف اول جدول شماره ۱ استفاده می‌کنیم. آنچنانچه در خروجی جدول نشان داده شده است نتایج آزمون t ( $t = -1/74$  و  $\text{Sig} = 0/083$ ) گویای آن است که میانگین-های دو شهرستان سقز (۶۰/۸۴) و سنندج (۶۴/۹۳) بوده و تفاوت معنی‌داری باهم نداشته و این دو گروه با سطح اطمینان ۹۵ درصد در اثربخشی دوره‌ها را مشابه هم برآورد نموده‌اند و این یافته بدین معنی است فرض صفر که دلالت بر عدم معنی‌داری تفاوت دارد، تایید می‌شود.

فرضیه دوم: اثربخشی دوره‌های آموزش کارآفرینی در شهرستان‌های سقز و سنندج با توجه به جنسیت شرکت‌کنندگان با هم متفاوت است.

مقایسه میزان اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی در شهرستان های سقز و سنندج □ ۱۵۵

به منظور آزمودن این فرضیه که آیا در اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی با توجه به جنسیت شرکت کنندگان در دو شهرستان تفاوتی وجود دارد یا خیر از آزمون تحلیل واریانس تک متغیره استفاده شد که یافته های به شرح جداول زیر می باشد.

جدول شماره ۳: داده های توصیفی متغیر وابسته اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی

شهر	جنسیت	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
سقز	زن	۱۷	۶۰/۳۱	۱۱/۹۹
	مرد	۳۹	۶۱/۶۰۷	۱۳/۱۲
	کل	۵۶	۶۰/۸۴	۱۲/۶۹
سنندج	زن	۲۴	۶۲/۳۸	۹/۲۳
	مرد	۲۷	۶۷/۳۱	۱۳/۱۹
	کل	۵۱	۶۴/۹۹	۱۱/۶۵
کل	زن	۴۱	۶۱/۵۲	۱۰/۳۷
	مرد	۶۶	۶۳/۶۲	۱۳/۴۱
	کل	۱۰۷	۶۲/۸۲	۱۲/۳۲

جدول شماره ۴ نشان نتایج آزمون لون جهت سنجش برابری واریانس های خطای نمره اثربخشی کارآفرینی در بین گروه های مختلف جنسی و شهرستان می باشد.

جدول شماره ۴: آزمون لون جهت برابری واریانس های خطا

F	df <sub>۱</sub>	df <sub>۲</sub>	معنی داری
۰/۹۴۹	۳	۱۰۳	۰/۴۲۰

در این جدول آنچه ان که مشاهده می شود از آنجا که سطح معنی داری آماره  $F$  بزرگتر از  $۰/۰۵$  است بنابراین باید گفت که واریانس خطای دو گروه با هم برابر بوده و تفاوتی بین آنها مشاهده نشده است.

جدول شماره ۵: آزمونهای اثرات بین آزمودنی

منبع	Type III Sum of Squares	درجات آزادی	مجذور میانگین	F	معنی داری
Corrected Model	۷۷۴/۲۳	۳	۲۵۸/۰۷	۱/۷۳	۰/۱۶۵
Intercept	۳۸۶۳۲۱/۹۶	۱	۳۸۶۳۲۱/۹۶	۲۵۹۴/۱۷	۰/۰۰
شهر	۴۲۱/۸۱	۱	۴۲۱/۸۱	۲/۸۳	۰/۰۹۵
جنسیت	۱۹۸/۷۷	۱	۱۹۸/۷۷	۱/۳۳	۰/۲۵۱
شهر* جنسیت	۱۰۶/۵۶	۱	۱۰۶/۵۶	۰/۷۱۶	۰/۴۰۰
خطا	۱۵۳۳۸/۶۵	۱۰۳	۱۴۸/۹۱		
کل	۴۳۸۳۴۲/۹۸	۱۰۷			
Corrected Total	۱۶۱۱۲/۸۹	۱۰۶			

ضریب تعیین = ۰/۰۴۸ - ضریب تعیین تعدیل شده = ۰/۰۲۰

جدول شماره ۵ نشان دهنده‌ی آن است که تاثیر جداگانه متغیر جنسیت ( $f=۱/۳۳$ ;  $sig=۰/۲۵۱$ ) بر اثربخشی دوره‌ها معنی‌دار نمی‌باشد. یعنی به لحاظ آماری میانگین نمرات اثربخشی دوره‌ها در بین دوره دیدگان سقز و سنج‌تفاوتی معنی‌داری باهم نداشته‌اند. در مورد تاثیر متغیر شهرها بر میزان اثربخشی دوره‌های آموزش کارآفرینی بر اساس مقدار آزمون  $F(f=۲/۸۳$   $sig=۰/۰۹۵)$  شاهد تفاوت معنی‌داری در اثربخشی دوره دیدگان با توجه به شهرستانها نیستیم. از طرفی به منظور بررسی تعامل بین جنس و شهر و تاثیر همزمان این دو متغیر بر اثر بخشی دوره‌ها این تفاوت نیز معنی‌دار نمی‌باشد زیرا مقدار و سطح معنی‌داری به این صورت ( $f=۰/۷۱۶$  ;  $sig=۰/۴۰۰$ ) است. نتیجه دیگری که این جدول در بردارد مقدار ضریب تعیین ۰/۰۴۸ است که مقدار تعدیل شده آن برابر با ۰/۰۲۰ می‌باشد و نشان دهنده آن که دو متغیر شهر و جنسیت شرکت کنندگان در دوره‌ها به طور مشترک توانسته‌اند ۰/۰۲۰ از واریانس متغیر اثربخشی دوره‌ها را تبیین کنند بنابراین ۰/۸۰ درصد سایر واریانس نمرات در این تحقیق تحت تاثیر عوامل و متغیرهایی است که در این تحقیق مورد بررسی قرار نگرفته‌اند.

### نتیجه گیری

کارآفرینی جزوه مولفه های چند بعدی به حساب می آید که از یک طرف با فرهنگ، جامعه، سیاست، قوانین و مقررات و دولت در ارتباط است و از طرفی دیگر با متغیرهای روان شناختی و جمعیت شناختی که به نسبت همانند موارد قبلی غیر عینی است. مطالعه همه متغیرهای مطرح در کار آفرینی از حوصله یک پژوهش خارج است، به زعم هومن (۱۳۸۸) دنیایی که برای مطالعه به ما داده شده دنیایی ۱۰۰ درصد درست یا نادرست نیست به علاوه هیچ آزمون آماری وجود ندارد که با ما اجازه دهد فرضیه ای را با ۱۰۰ درصد قطعیت و اطمینان رد کنیم و بگوییم که فرضیه رده شده واقعا نادرست بوده است. بهترین کاری که می توانیم انجام دهیم این است که بگوییم قضیه بخصوص دارای میزان مشخصی از احتمال است؛ بنابراین فقط می توان گفت که قضیه معینی احتمالا درست یا نادرست است. و هیچ تئوری حقیقت مطلق را ترسیم نمی کند. هر کدام از محققان با توجه به حوزه مطالعاتی خود بعد یا ابعاد محدودی از این پدیده را مورد بررسی قرار می دهند.

در رابطه با فرضیه اول این پژوهش باید اظهار داشت که تاکنون تحقیق که بررسی تاثیر متغیر محل سکونت بر میزان اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی پرداخته باشد یافت نشد و این تحقیق از این لحاظ تازگی دارد دلیل انتخاب چنین فرضیه ای هم برآورد این مسئله است که آیا برگزاری دوره ها در مراکز استان که سنندج مرکز استان کردستان است می توان تفاوتی در اثربخشی این دوره ها داشته باشد یا خیر که آن هم تصور وجود امکانات انسانی و مادی بیشتر در مراکز استان است. از دلایل دیگر مطرح شدن این سوال بحث آستانه جمعیتی در شهرستانها می باشد زیرا هر با توجه به حدود جمعیتی که اجزای برخی از فعالیتهای اقتصادی و حتی آموزشها امکان اثربخشی آن را تحت تاثیر قرار می دهد شهرستان سنندج هم حدودا دو برابر شهرستان سقز که دومین شهر استان است جمعیت دارد که بررسی نمودن تاثیر محل دوره ها می تواند به عنوان عاملی تاثیر گذار مورد توجه قرار گیرد.

دومین فرضیه بررسی شده در این پژوهش عبارت بود از اینکه اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی در شهرستان های سقز و سنندج با توجه به جنسیت شرکت کنندگان با هم متفاوت است. که این بررسی این فرضیه هم تفاوت معنی داری را در میزان اثربخشی دوره ها با توجه به تعامل محل سکونت و جنسیت نشان نداد. این یافته تاحدودی با یافته های ای. ال. او. لیمو و او فادیرو (۲۰۱۲) همخوان است که اظهار داشته بود تفاوت معنی داری بین دو جنس از لحاظ آگاهی از برنامه های کارآفرینی برای توانمندسازی خودشان وجود ندارد. هر چند که دانشجویان پسر به نسبت دختران نمره بیشتری را کسب کرده بودند. و همین طور هر دو جنس از لحاظ داشتن مهارتها و تواناییهای کارآفرینی با هم تفاوت

معناداری نداشته‌اند. هر چند که دانشجویان دخترنمره بالاتری در مهارت‌ها و توانایی‌های کارآفرینی را کسب کرده بودند اما تفاوت معنا دار نبوده است. اما با یافته‌های ناظم (۱۳۸۶) ناهمخوان است که اظهار داشته‌اند یافته‌ها نشان از بالا بودن کارآفرینی مردان در مقایسه با زنان دارد. و همین طور ناهمخوان است با یافته‌های صالحی نجف آبادی و دیگران، (۱۳۸۵) آموزش کارآفرینی فعالیت کارآفرینی زنان بیکار را در مرحله پیگیری افزایش داده و این شیوه آموزشی توانسته زنان بیکار را برای جست و جوی کار در مدتی طولانی‌تر به فعالیت وادارد. در تحقیقات مربوط به عنوان یکی از متداول‌ترین راه حل‌های بیکاری یاد شده است. از طرفی لاو و همکارانش (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیده‌اند که تفاوت معنی‌داری بین زنان و مردان در ارتباط با ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی وجود دارد که با یافته پژوهش با این یافته نیز ناهمخوان است.

#### پیشنهادها

۱. شناسایی کارآفرینان موفق آموزش دیده و کارآفرینان ناموفق آموزش دیده و مقایسه مولفه‌های این تحقیق در مورد این دو جامعه زیرا در پژوهش حاضر صرف دوره دیده بودن، مبنای نمونه انتخابی شده بود نه کارآفرین موفق یا شکست خورده بودن.
۲. استفاده از آزمونهای روانی به عنوان کنترل ورودی‌های دوره‌ها البته نه به منظور حذف افراد از گردونه آموزش بلکه به منظور تشخیص کسانی که شاید نیاز به آموزش‌هایی دیگر یا کار بیشتری دارند. زیرا بخشی از امر کارآفرینی با شخصیت دوره دیدگان در ارتباط است.
۳. اجرای دوره‌های آموزش کارآفرینی براساس برنامه‌ریزی مبتنی بر پتانسیل‌ها و قابلیت‌های استان و انجام طرح آمایش سرزمین.
۴. توجه بیشتر به آموزش‌های عملی و فنی دوره دیدگان.



### منابع

- استاندارد بین المللی ایزو ۱۰۰۱۵. (۱۳۸۴). ترجمه: مریم ملکی و مرجان امیدی، مشهد: نشر چهارم
- ایمانی، محمد تقی؛ آذرخش، تقی؛ عاشقی، منصور. (۱۳۸۷). **کارآفرینی**. تهران: نشر فرهنگ سبز.
- بارانی، شهرزاد و زرافشانی، کیومرث و دل انگیزان، سهراب و حسینی لرگانی، مریم. (۱۳۸۹). **تأثیر آموزش کارآفرینی بر رفتار کارآفرینانه دانشجویان دانشگاه پیام نور کرمانشاه**. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۷، صص ۱۰۵-۸۵.
- پورآتشی، مهتاب. (۱۳۸۷). **نهادینه کردن آموزش کارآفرینی در نظام آموزش عالی**، نامه ی آموزش عالی، دوره جدید، سال اول، شماره اول، صص ۶۳-۴۹.
- پورصادق، ناصر. (۱۳۹۵). رویکردهای ارزشیابی اثربخشی آموزش، (۱۳۹۵/۱/۱۷). بازیابی در <http://hrd.tehran.ir/Portals/0/Document>
- زارعی، خدیجه. (۱۳۸۴). **اثربخشی آموزشی**، ماهنامه تدبیر، سال شانزدهم، شماره ۱۶۶.
- سلیمی، جمال و عبدی، علی. (۱۳۸۷). **کارآفرینی؛ اصول و مبانی، روش های آموزش و نقش دانشگاه در آموزش آن**، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۰۱.
- صالحی نجف آبادی، رضوان، عابدی، محمدرضا و ربیعی، محمد. (۱۳۸۵). **اثربخشی آموزش کارآفرینی بر افزایش فعالیت کاریابی زنان جویای کار شهر کرد**، دانش و پژوهش در روان شناسی، شماره سی ام، صص ۱۱۱-۱۲۲.
- ضرابی، اصغر و شاهبوندی، احمد. (۱۳۸۹). **تحلیلی بر پراکندگی شاخصهای توسعه اقتصادی در استان های ایران، مجله جغرافیا و برنامه ریزی محیطی**، سال ۲۱، شماره پیاپی ۳۸، شماره ۲، صص ۱۷-۳۲.
- علاقه بند، علی. (۱۳۸۶). **مدیریت عمومی**، چاپ هفدهم، تهران: نشر روان.
- قنبرعلی، رضوان و زر افشان، کیوان. (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی راهی به سوی اشتغالزایی، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۹۶-۹۷، صص ۶۴-۷۵.
- کردنائیج، اسدالله؛ زالی، رضا (۱۳۸۷). **آموزش کارآفرینی در نظام تعلیم و تربیت کشور**، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی کار و جامعه، شماره ۹۶-۹۷.

۱۶۰ □ فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی سال ششم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۹۴

- مشایخ، پری. (۱۳۸۶). *بررسی تأثیر آموزش کارآفرینی بر روحیه کارآفرینی دانش‌آموزان دبیرستانی شهرستان کازرون، فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی،* سال دوم، شماره چهارم.
- میرزا محمدی، محمدحسن و پورطهماسبی، سیاوش و تاجور، آذر. (۱۳۸۷). *موانع و راهکارهای کارآفرینی در نظام آموزش عالی ایران، ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی، فرهنگی کار و جامعه،* شماره ۹۶ و ۹۷.
- نادمی، آرش و نادمی، یونس. (۱۳۹۰). *آثار نامتقارن رشد نیروی کار بر رشد اقتصادی بر پایه یک الگوی دو رژیم آستانه ای، مجله سیاسی- اقتصادی،* شماره ۲۸۳، صص ۲۴۹-۲۴۲
- ناظم، فتاح. (۱۳۸۶). *کارآفرینی مدیران دانشگاه آزاد اسلامی، فصلنامه روان شناسان ایرانی،* سال چهارم، شماره ۱۴.
- هومن، حیدر علی. (۱۳۸۸). *راهنمای عملی تدوین پایان نامه تحصیلی، تهران: انتشارات پیک فرهنگ.*

### منابع انگلیسی

- A.Alade, Ibiwumi, O. Lemo, Olusiji and O. Fadairo, Oriola. (۲۰۱۲). *Gender differences in entrepreneurial capacity of student teachers: implications for entrepreneurship education and small business, International Journal of Research in Engineering, IT and Social Sciences, Volume ۲, Issue ۷.*
- Gurol, Yonca and Astan, Nuray. (۲۰۰۶). *Entrepreneurial characteristics amongst university students, education + training*, vol. ۴۸, no. ۱, pp. ۲۵-۳۸
- <http://www.businessdictionary.com/definition/effectiveness.html> (۲۰۱۳/۰۹/۰۵)
- Mitra, Jay and Abubakar, Y.A. (۲۰۱۱). *Knowledge creation and human capital for development: the role of graduate entrepreneurship, Education + training, VOL. ۵۳, No. ۵, pp. ۴۷۹-۴۷۶*
- Sundin, Elisabeth. (۲۰۱۱). *Entrepreneurship and social and community care, journal of Enterprising communities: people and places in the global Economy, vol. ۵, NO. ۳, pp. ۲۱۲-۲۲۲*

مقایسه میزان اثربخشی دوره های آموزش کارآفرینی در شهرستان های سقز و سنندج) □ ۱۶۱

- Terrell, Katherine and Troilo, Michael.(۲۰۰۰). *Values and female entrepreneurship*, international journal of Gender and entrepreneurship, Vol.۲, No.۳, pp.۲۶۰-۲۸۶
- ۱. Zhang, lili.(۲۰۱۱). *Comparative study of china and USA's colleges entrepreneurship* ۱۹. Education from an international perspective, journal of Chinese entrepreneurship. Vol.۳, no.۳,pp.۱۸۵\_۱۹۴